



The Comparison of Liberal Journalism and Emancipation Journalism in Afghanistan

مقایسه‌ی ژورنالیزم لیبرال با ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان

Sayed Nael Ibrahim¹ and Melad, Sodeqi²

سیدنایل ابراهیمی^۱ و میلاد صدیقی^۲

Abstract

Afghanistan is considered one of the underdeveloped countries, where decades of war, instability, and domination by major powers have hindered its sustainable development. After the establishment of the new political system, the media and freedom of expression experienced significant growth; however, this process has consistently faced numerous challenges. The failure and ineffectiveness of liberal journalism in Afghanistan have sparked new debates regarding its suitable alternative. The main issue of this study is to examine the differences and similarities between liberal journalism and liberation journalism, as well as the effectiveness of each in the Afghan society. The objective of the research is to analyze these two journalistic approaches and identify the model most suitable for Afghanistan's circumstances. The primary research question is: What are the most significant differences and similarities between liberal journalism and liberation journalism in Afghanistan? This research employs a comparative approach and content analysis method to study the differences and similarities between liberal and liberation journalism. The findings indicate that liberal journalism, despite its emphasis on freedom of expression, media expansion, and increasing public awareness in Afghanistan, has faced fundamental challenges and has not been sufficiently effective. In contrast, liberation journalism, with its focus on justice, political and social awareness, and strengthening the spirit of advocacy, is considered a suitable alternative. The main differences between the two approaches can be observed in the depth of analysis, justice-oriented focus, and their level of social impact. The conclusion suggests that liberation journalism, due to its emphasis on political awareness, pursuit of justice, and consideration of Afghanistan's specific social and cultural conditions, is more effective than liberal journalism and can play a more impactful role in the country's sustainable development.

Keywords: Journalism, Liberal, Liberation, SWOT Model, Afghanistan

چکیده

افغانستان یکی از کشورهای توسعه‌نیافته به شمار می‌رود که چندین دهه؛ جنگ، بی‌ثباتی و سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ، مانع توسعه‌ی پایدار آن شده است. پس از شکل‌گیری نظام سیاسی جدید، رسانه‌ها و آزادی بیان، رشد چشم‌گیر داشتند، اما این روند، هم‌واره با چالش‌های متعدد همراه بوده است. شکست و ناکارآمدی ژورنالیزم لیبرال در افغانستان، گفتمان‌های جدیدی را درباره‌ی جایگزین مناسب آن مطرح کرده است. مسئله‌ی اصلی این تحقیق، بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و ژورنالیزم رهایی‌بخش و میزان کارآمدی هر یک در جامعه‌ی افغانستان است. هدف تحقیق، تحلیل این دو رویکرد ژورنالیستی و شناسایی مدل مناسب برای شرایط افغانستان است. پرسش اصلی تحقیق این است که مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان چیست؟ این تحقیق از رویکرد مقایسه‌ای و روش تحلیل محتوا برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و ژورنالیزم رهایی‌بخش استفاده می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ژورنالیزم لیبرال، با تأکید بر آزادی بیان، گسترش رسانه‌ها و افزایش آگاهی عمومی در افغانستان، با چالش‌های اساسی مواجه بوده و کارآمدی لازم را نداشته است. در مقابل، ژورنالیزم رهایی‌بخش، با تأکید بر عدالت، آگاهی‌بخشی سیاسی و اجتماعی و تقویت روحیه‌ی مطالبه‌گری، جایگزین مناسب به شمار می‌رود. تفاوت‌های اصلی این دو رویکرد در عمق تحلیل، عدالت‌محوری و میزان تأثیرگذاری اجتماعی آن‌ها قابل مشاهده است. نتیجه‌گیری تحقیق نشان می‌دهد که ژورنالیزم رهایی‌بخش، به دلیل تمرکز بر آگاهی سیاسی، عدالت‌طلبی و درنظر گرفتن شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی افغانستان، نسبت به ژورنالیزم لیبرال از کارآمدی بیش‌تر برخوردار است و می‌تواند در توسعه‌ی پایدار کشور، نقش موثرتر ایفا کند.

واژگان کلیدی: ژورنالیزم، لیبرال، رهایی‌بخش، مدل سوات، افغانستان.

Cite this article Ibrahim, Sayed; Melad, Sodeqi. (2025). The Comparison of Liberal Journalism and Emancipation Journalism in Afghanistan. Rana Academic & Research Journal. Volume 9. Issue 01. pp 3 - 24

ارجاع به این مقاله: ابراهیمی، سیدنایل؛ صدیقی، میلاد. (۱۴۰۴). مقایسه‌ی

ژورنالیزم لیبرال با ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان. فصل‌نامه‌ی علمی -

تحقیقی رنا. دوره‌ی نهم. شماره‌ی اول. صص: ۲۴-۳

¹ Faculty Member, Journalism Department, Rana University, Kabul, Afghanistan.

² Journalism Graduate from Rana University, Kabul, Afghanistan.

^۱ عضو کارد علمی، پوهنچي ژورناليزم، پوهنتون رنا، کابل، افغانستان.

^۲ دانش‌آموخته‌ی پوهنچي ژورناليزم، پوهنتون رنا، کابل، افغانستان.

مقدمه

ژورنالیزم لیبرال که بر اساس نظام سیاسی لیبرال دموکراسی استوار است، در افغانستان طی بیست سال گذشته با چالش‌های متعدد مواجه شد. این ژورنالیزم که هم‌سو با حکومت فعالیت می‌کند، از بحران‌ها و چالش‌های حکومت تاثیر می‌پذیرد. ضعف‌های عمده‌ی آن شامل افزایش اختلافات قومی، ترویج فرهنگ‌های غربی، افزایش شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اجتماعی بوده است. با وجود تاکید بر آزادی فردی، ژورنالیزم لیبرال نتوانسته به موفقیت دست‌یابد و موجب کاهش اعتماد مردم به رسانه‌ها شود. هم‌چنین، این ژورنالیزم مانع شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش در کشور گردید که در دو دهه‌ی پسین، هیچ‌گونه تلاش برای توسعه‌ی آن صورت نگرفته است.

نبود ادبیات بومی و عدم حمایت حکومت از رویکردهای انتقادی جدید، مانع شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان شده است. این مشکل باعث شده که افغانستان نتواند از ارزش‌های بومی خود برای ثبات و توسعه استفاده کند. افزون بر این، سلطه‌ی سیاسی - فرهنگی کشورهای خارجی، شرایط تولید علم مبتنی بر ارزش‌های ملی را دشوار کرده است. تا زمانی که نظام سیاسی مناسب و سطح آگاهی جامعه ارتقا نیابد، شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش در کشور دشوار خواهد بود.

رسانه‌ها در امر ثبات و توسعه‌ی کشورها نقش مهم ایفا می‌کند، اما در کشورهای چون افغانستان نتوانسته اند موفقانه عمل کنند؛ زیرا در این کشور، بنیاد شکل‌گیری رسانه‌ها بیش از انجام رسالت اجتماعی‌شان، به منافع اقتصادی خود توجه می‌کنند. یعنی رسانه‌ها به ابزار درآمد بعضی از سرمایه‌داران قرار گرفته است. عدم حضور افراد متخصص در راس رسانه‌ها به این معضل افزوده است. رسانه‌های افغانستان طی چند سال اخیر، بیش‌تر منافع احزاب سیاسی خصوصاً قومی را دنبال می‌کردند. سرمایه‌گذاری روی رسانه‌ها از سوی افراد سرمایه‌دار معنی واقعی رسانه را از بین برده است. رسانه‌ها بیش از این که در خدمت مردم باشد، در خدمت سرمایه‌داران قرار داشته است و آن‌هم به‌خاطر نوع نگاه فرد سرمایه‌گذار است که روی یک رسانه سرمایه‌گذاری کرده است.

بنابراین، با توجه به اهمیت رسانه در صلح و ثبات کشور، در این تحقیق به مقایسه‌ی دو ژورنالیزم «لیبرال و رهایی‌بخش» پرداخته می‌شود و پرسش اصلی این است که مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال با ژورنالیزم رهایی‌بخش کدام‌ها اند؟ جهت پاسخ به این پرسش، برخی آثار مرتبط به این موضوع بررسی شدند. با توجه به نبودن ژورنالیزم رهایی‌بخش، به ندرت می‌توان منبع و مرجع بومی در باب توضیح و ارزیابی این حوزه در افغانستان پیدا کرد. دانش ژورنالیزم رهایی‌بخش یک دانش نوین و نوپا است که کم‌تر محققان و استادان پوهنتونی به آن توجه کرده‌اند. گرچه رشته‌ی ژورنالیزم رهایی‌بخش در مراکز علمی و تحصیلی افغانستان، رشته‌ی ناشناخته‌ای نیست، اما متن و محتوای راهبردی در این حوزه تولید نشده است. در بعد خارجی، تحقیق‌هایی در زمینه‌ی ژورنالیزم رهایی‌بخش و ژورنالیزم لیبرال انجام شده است.

جوک مک‌لیود^۱ (۱۳۸۶)، این مقاله به نقش کلیدی ژورنالیزم لیبرال در شکل‌دهی به فرهنگ ادبی اواخر دوره‌ی ویکتوریایی و ادواردی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه روزنامه‌نگاران لیبرال با ترکیب سیاست و ادبیات، مفاهیم فرهنگی و ارزش‌های پیشرو را در مطبوعات جریان اصلی ترویج دادند. ژورنالیزم لیبرال در این دوره نه تنها ابزار سیاسی، بلکه نیروی فرهنگی برای ترویج دموکراسی و آگاهی اجتماعی بود.

جوتل اولیور^۲ (۱۳۹۴)، در این مقاله نشان می‌دهد که ژورنالیزم لیبرال، به‌ویژه نیویارک تایمز، در برابر پوپولیسم تی‌پارتی ناتوان است، زیرا با تکیه بر جهان‌بینی عقل‌گرایانه و اجماع‌محور، قادر به درک و بازنمایی خصومت بنیادین و گفتمان دشمن‌محور پوپولیسم نیست. این ناتوانی باعث می‌شود ژورنالیزم لیبرال یا به‌طور ناخواسته مشروعیت به پوپولیسم ببخشد یا آن را به‌صورت پدیده‌ای نابهنجار و موقتی تقلیل دهد.

¹ Jock Macleod

² Jutel Olivier

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴

فصل نام‌ی

علمی - تحقیقی رنا
شماره (۱)
بهار ۱۴۰۴

دانیل سوتر^۳ (۱۳۹۱)، این نوشته به بررسی نهاده‌ی شدن سوگیری لیبرال در رسانه‌های خبری امریکا می‌پردازد و استدلال می‌کند که با وجود تلاش مالکان رسانه‌ها برای کسب سود، سوگیری لیبرال می‌تواند به واسطه‌ی ترجیحات شخصی خبرنگاران و مخاطبان خاص هم‌چنان تداوم یابد. هم‌زمان، ساختار مالکیت خصوصی رسانه‌ها، نوعی نیروی بازدارنده برای مهار این سوگیری فراهم می‌کند.

هریک آلتزن^۴ (۱۳۸۰)، رسانه‌ها متنوع‌اند و نه فقط لیبرال‌اند و نه فقط محافظه‌کار. بیش‌تر مردم فکر می‌کنند که رسانه‌ها محافظه‌کار‌اند، اما این یک افسانه است که رسانه‌های بزرگ لیبرال‌اند. سیاست‌مداران این اتهام را برای تحت فشار گذاشتن رسانه‌ها استفاده می‌کنند و این تاکتیک گاهی موفق است.

جینین ای. رلی و مارگارت زنگر^۵ (۱۳۹۵) این مطالعه نشان می‌دهد که پس از صرف صدها میلیون دالر کمک غربی برای توسعه‌ی رسانه‌های آزاد در افغانستان، رسانه‌ها در معرض «اسارت» سیاسی، بوروکراتیک، کمک‌کنندگان خارجی و گروه‌های خشونت‌طلب قرار دارند. در کشورهای با مداخله‌ی خارجی گسترده و بی‌ثباتی مستمر، ارزش‌های رسانه‌ای وارداتی نمی‌توانند مانع نفوذ بازیگران بیرونی شوند. این پدیده نیازمند بررسی عمیق‌تر و دسته‌بندی دقیق‌تر از انواع اسارت رسانه‌ای است. این‌ها از محدود افرادی هستند که در تبیین مفاهیم و کلیات استفاده شده به حیث مرجع بیرونی شناسایی و به‌کار رفته است.

در مرجع‌شناسی داخلی، تاکنون کار چشم‌گیر صورت نگرفته است. پیرامون موضوع ژورنالیزم رهایی‌بخش، صرف یک مقاله از مصطفی عاقلی^۶ (۱۳۹۹)، تحت عنوان «ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان» به مفهوم و ابعاد مختلف این موضوع پرداخته است. نویسنده به این باور است که باوجود تمام کمبودی‌ها، ژورنالیزم رهایی‌بخش یک نیاز جدی در افغانستان است. این ژورنالیزم در تناسب با ژورنالیزم لیبرال، پاسخ‌گوی نیازهای بومی این کشور خواهد بود. سنجر سهیل^۷ (۱۴۰۲) ژورنالیزم رهایی‌بخش، رویکردی است که فراتر از بی‌طرفی صرف، با افشای جنایات، حمایت از قربانیان، تقویت آگاهی انتقادی و بازتاب مبارزات مدنی، رسانه را به نیروی برای امید، عدالت اجتماعی و گذار از استبداد تبدیل می‌کند.

از این منظر، در این تحقیق سعی شده است تا با گفت‌وگو با کارشناسان ژورنالیزم، به بررسی این دو نوع ژورنالیزم پرداخته شود. این تحقیق از رویکرد مقایسه‌ای و روش تحلیل محتوا برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و ژورنالیزم رهایی‌بخش استفاده می‌کند. در این تحقیق، ابتدا ژورنالیزم لیبرال مورد بررسی قرار می‌گیرد و ویژگی‌ها و عمل‌کرد آن در افغانستان تحلیل می‌شود. سپس، ژورنالیزم رهایی‌بخش و دلایل عدم توسعه‌ی آن در کشور واکاوی خواهد شد. در ادامه، این دو نوع ژورنالیزم از نظر تاثیرگذاری مقایسه می‌شوند و پس از آن، نقش رسانه‌ها در ثبات و توسعه‌ی افغانستان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، با یک نتیجه‌گیری ختم شده است.

مدل تحقیق (SWOT)

مدل SWOT^۸ در دهه‌ی ۱۳۳۹ در پوهنتون استنفورد شکل گرفت و آلبرت هامفری^۸ آن را برای بهبود برنامه‌ریزی شرکتی معرفی کرد. این مدل در سه مرحله تکامل یافت: (۱) نقاط قوت و ضعف شناسایی شد (۲) تهدیدات و فرصت‌های محیطی تحلیل شد (۳) و این عوامل برای شناسایی موانع و فرصت‌های سازمانی هماهنگ شد (گلکار، ۱۳۸۵: ۸). این مدل از ترکیب تکنیک‌های تحلیل عوامل درونی و بیرونی سازمان شکل گرفت. مدل سوات چارچوب مفهومی برای تلفیق این عوامل و تدوین راهبردهای موثر است. هم‌چنین، ابزاری برای تصمیم‌گیری بهتر و شناسایی شرایط محیطی و توانمندی‌های

³ Daniel Sutter

⁴ Eric Alterman

⁵ Jeannine Relly and Maggy Zanger

⁶ Sanjar Sohail

⁷ Strengths, Weaknesses, Opportunities and Threats

⁸ Albert Humphrey

سازمانی محسوب می‌شود. این مدل در مدیریت استراتژیک و بازاریابی کاربرد دارد و به بررسی عوامل استراتژیک موثر بر آینده‌ی سازمان می‌پردازد (مهکویی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۳).

مدل سوات ابزاری برای تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای یک سیستم است. این مدل با ایجاد نظم، شفافیت و تمرکز، به بهبود تصمیم‌گیری و تدوین راهبردهای موثر کمک می‌کند. هم‌چنین، امکان شناسایی ضعف‌های داخلی و یافتن راه‌حل، همراه با مدیریت تهدیدات خارجی را فراهم می‌کند (پاسدار و گروسی، ۱۳۹۴: ۱۵). مدل سوات به‌عنوان یک ابزار تحلیلی در تحقیق‌ها و تصمیم‌سازی‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق، این مدل برای مقایسه ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش در افغانستان به کار رفته است. با شناسایی نقاط قوت و ضعف، استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها، مدل سوات تحلیل جامع و دقیق از این دو رویکرد ارایه می‌دهد. هم‌چنین، روش مصاحبه در این تحقیق با کمک مدل سوات دقیق‌تر و موثرتر شده است.

۱. بررسی ژورنالیزم لیبرال در افغانستان

رسانه‌های آزاد یکی از نیازهای اساسی جوامع متمدن و توسعه‌یافته هستند. در جوامعی که عدالت اجتماعی و ثبات سیاسی وجود دارد، به رسانه‌های آزاد ضرورت دارند. ژورنالیزم لیبرال که از لیبرال دموکراسی سرچشمه می‌گیرد، ابتدا در کشورهای غربی شکل گرفت و به تدریج در کشورهای دیگر نیز تجربه شد. افغانستان پس از شکل‌گیری نظام سیاسی لیبرال دموکراسی، ژورنالیزم لیبرال را پذیرفت، اما به دلیل سنتی بودن جامعه و کمبود آگاهی اجتماعی، این نوع ژورنالیزم در افغانستان با چالش‌های زیاد روبه‌رو شد. پس از صرف میلیاردها دالر، رسانه‌ها رشد چشم‌گیر داشتند، اما نتوانستند مشکلات مردم را حل کنند و موجب ترویج فرهنگ غربی، افزایش شکاف‌های اجتماعی و ناکارآمدی در تحکیم ثبات سیاسی شدند. هم‌چنین، کمبود افراد متخصص در رسانه‌ها از دیگر مشکلات ژورنالیزم لیبرال در افغانستان بود.

۱/۱. نقاط قوت ژورنالیزم لیبرال

نقاط قوت ژورنالیزم لیبرال شامل مدارا، پاسخ‌گویی دولت به ملت و توسعه‌ی آزادی بیان است. این موارد به عنوان اصول اساسی در این رویکرد به شمار می‌آیند. هم‌چنین، ژورنالیزم لیبرال به تقویت دموکراسی و مشارکت عمومی در فرایندهای سیاسی کمک می‌کند. این رویکرد، با تأکید بر آزادی فردی و حقوق بشر، فضایی را برای تبادل آزاد اطلاعات و دیدگاه‌ها ایجاد می‌کند.

• پذیرش کثرت‌گرایی و مدارا

افغانستان به عنوان جامعه‌ای چندفرهنگی با مشکلات سیاسی و اختلافات قومی، سمتی و زبانی روبه‌رو است. ژورنالیزم لیبرال با پذیرش کثرت‌گرایی، امکان گفت‌وگو بین هویت‌های مختلف را فراهم می‌کند و به ایجاد یک ارزش ملی کمک می‌نماید تا تنش‌های فرهنگی کاهش یابد. این نوع ژورنالیزم با پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای مختلف، می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی و نارضایتی‌های برخی گروه‌ها را کاهش دهد (حکیمی، ۱۴۰۱). این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت بیش‌تر اقوام و گروه‌های مختلف در فرایند دموکراتیک کشور شود. هم‌چنین، توجه به حقوق و آزادی‌های فردی و گروهی موجب تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی می‌شود.

• پاسخ‌گویی دولت به ملت

یکی از نقاط قوت ژورنالیزم لیبرال، ترویج پاسخ‌گویی در جامعه است. این نوع ژورنالیزم به شهروندان این حق را می‌دهد که از حکومت نظارت کرده و آن را نقد کنند. هم‌چنین، مردم می‌توانند از نهادهای حکومتی خدمات بخواهند و دولت موظف است به خواسته‌های مشروع مردم پاسخ دهد. ژورنالیزم لیبرال با کاهش قدرت دولت و تقویت نهادهای خصوصی، به بهبود نظم و ثبات جامعه کمک می‌کند (عاقلی، ۱۴۰۱). این رویکرد به عنوان یک ابزار نظارتی عمل کرده

و موجب می‌شود که دولت‌ها بیش‌تر به نیازهای مردم پاسخ دهند و شفافیت بیش‌تر در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند. هم‌چنین، ترویج پاسخ‌گویی باعث ایجاد اعتماد میان مردم و دولت می‌شود و فرایند دموکراتیک را تقویت می‌کند.

• توسعه‌ی آزادی بیان

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت ژورنالیزم لیبرال، توسعه‌ی آزادی بیان در جامعه است. این نوع ژورنالیزم به افراد این امکان را می‌دهد که آزادانه عقاید و باورهای خود را بیان کنند و از حکومت انتقاد نمایند. هم‌چنین، مردم را به ایستادگی در برابر نقض حقوق‌شان تشویق می‌کند و زمینه را برای تبارز هویت‌ها و ارزش‌های مختلف فراهم می‌آورد. ژورنالیزم لیبرال حق آزادی بیان را برای هر فرد جامعه می‌داند و در ایجاد ثبات و توسعه‌ی کشور نقش دارد (فقیری، ۱۴۰۱). این رویکرد با تشویق تنوع افکار و نظرات، موجب تقویت جامعه‌ی مدنی و افزایش مشارکت مردم در فرایندهای دموکراتیک می‌شود. آزادی بیان نه تنها ابزار اصلی برای حفظ حقوق بشر است، بلکه به دولت‌ها نیز کمک می‌کند تا نظرات مختلف را شنیده و تصمیمات خود را بر اساس تنوع دیدگاه‌ها اتخاذ کنند.

۱/۲. نقاط ضعف ژورنالیزم لیبرال

منتقدان ژورنالیزم لیبرال بر این باورند که این رویکرد تنها در جوامع غربی کارآمد است و در کشورهای در حال توسعه که از نظر فرهنگی و سیاسی نارس هستند، ممکن است نه تنها موثر نباشد، بلکه بحران‌های جدید ایجاد کند. این جوامع هنوز به پختگی لازم برای پذیرش این نوع ژورنالیزم نرسیده‌اند.

• زمینه‌سازی برای امپریالیسم فرهنگی

یکی از مهم‌ترین نقدها به ژورنالیزم لیبرال این است که زمینه‌ساز امپریالیسم غربی شده و فرهنگ‌های بومی جوامع دیگر را نادیده می‌گیرد و حتی آن‌ها را تهدید می‌کند. این ژورنالیزم که محصول فرهنگ غربی، به‌ویژه آمریکایی است، در زمینه‌ی ترویج ارزش‌ها و هنجارهای غربی فعالیت می‌کند و در جوامع دیگر ممکن است فرهنگ‌های اصیل را در معرض نابودی قرار دهد. توجه بیش از حد به ارزش‌های غربی یکی از نقاط ضعف این رویکرد است (نعیمی، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال در افغانستان باعث ترویج فرهنگ‌های غربی و فاصله گرفتن مردم از هویت و ارزش‌های بومی خود شده است. این موضوع در جوامع سنتی مانند افغانستان به بی‌هویتی و مشکلات فرهنگی و اجتماعی منجر می‌شود و از آن‌جا که ایدئولوژی رسانه‌ها غربی است، فرهنگ‌های لیبرالی ترویج می‌یابد.

• افزایش ثروت سرمایه‌دار

رسانه‌ها در ژورنالیزم لیبرال بیش‌تر به سود سرمایه‌داران عمل می‌کنند. این نوع ژورنالیزم باعث افزایش ثروت سرمایه‌داران و فقیرتر شدن اقشار ضعیف جامعه می‌شود. رسانه‌ها به جای انجام رسالت اجتماعی خود، بیش‌تر در خدمت اهداف اقتصادی طبقه‌ی سرمایه‌دار قرار می‌گیرند و به تدریج از نقش اجتماعی خود دور می‌شوند (حیدری، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال باعث افزایش ثروت سرمایه‌داران و ایجاد شکاف‌های بزرگ میان طبقات غنی و فقیر جامعه می‌شود. رسانه‌ها عمدتاً در خدمت منافع اقتصادی سرمایه‌داران هستند و این باعث تضعیف طبقه‌ی فقیر می‌شود. در افغانستان نیز طی بیست سال گذشته این روند مشاهده شده است.

• ناکارایی در جوامع جنوب

ژورنالیزم لیبرال که بر اساس ذهنیت غربی ساخته شده است، در جوامع توسعه‌نیافته مانند افغانستان موثر نخواهد بود. این مدل در کشورهای غربی موفق بوده، اما در جوامع سنتی و فقیر مشکلات بیش‌تر ایجاد کرده و نتوانسته است بحران‌ها را

حل کند. این رویکرد ممکن است باعث هرج و مرج و وضعیت بد فرهنگی و اجتماعی در کشورهای غیرغربی شود. ژورنالیزم لیبرال با جوامع کشورهای جهان سوم، از جمله افغانستان، در تضاد است و در این جوامع موثر نمی‌باشد. ارزش‌های لیبرالی در افغانستان قابل فهم و عملی نیست، که این یکی از نقاط ضعف جدی این نوع ژورنالیزم است (حکیمی، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال در جوامعی مانند افغانستان که به نخبگی سیاسی و فرهنگی نرسیده‌اند، کارایی ندارد و بحران‌ها را شدت می‌بخشد. در افغانستان، این رسانه‌ها موجب افزایش اختلافات قومی و شکاف‌های اجتماعی و نقش مهم در بی‌ثباتی سیاسی ایفا کرده‌اند. بنابراین، این نوع ژورنالیزم تنها در مناطق خاص موثر است.

۱/۳. کارآمدی ژورنالیزم لیبرال در افغانستان

در بیست سال گذشته، رسانه‌های آزاد در افغانستان نقش مهم در توسعه‌ی کشور و نمایندگی صداهای مختلف از مذاهب و اقلیت‌ها ایفا کرده‌اند. ژورنالیزم لیبرال به احزاب و جریان‌های سیاسی کمک کرد تا افکار عمومی را به سمت ایدئولوژی‌های خود هدایت کنند. این رسانه‌ها باعث افزایش توقعات مردم از رهبران شدند و برخی از آن‌ها از قدرت رسانه‌ها برای تبلیغات و معرفی رهبران غیرمفید به عنوان خدمت‌گزاران مردم استفاده کردند (حکیمی، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال در افغانستان توانسته است سطح آگاهی مردم را افزایش دهد و نقد آزاد را فراهم کند. این آزادی رسانه‌ها به مردم کمک کرد تا به ضعف‌های رهبران قومی پی ببرند و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. با این حال، برای جوامع توسعه‌نیافته‌ی مانند افغانستان، چالش‌هایی وجود دارد که مانع موثر بودن کامل این نوع ژورنالیزم می‌شود و باید موانع آن شناسایی و رفع گردد.

ژورنالیزم لیبرال در افغانستان با توجه به شرایط سنتی و قبیله‌ای جامعه نمی‌تواند موثر باشد. مردم هنوز آمادگی پذیرش نقد و چالش عقاید خود را ندارند. استفاده‌ی ابزاری از رسانه‌ها توسط سرمایه‌داران و رهبران قومی، شکاف‌های اجتماعی را افزایش داده و از ارزش‌های بومی فاصله گرفته‌اند. بنابراین، ژورنالیزم لیبرال در افغانستان نمی‌تواند به‌طور کامل موثر باشد. تداوم فرهنگ‌های سنتی و قبیله‌ای در افغانستان یکی از چالش‌های بزرگ توسعه است که با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از ژورنالیزم لیبرال می‌توان آن را حل کرد. در جامعه‌ای که ارزش‌ها بر اساس سنت‌ها تعریف می‌شود، باید به آزادی‌های فردی دست‌یابیم. رسانه‌های آزاد می‌توانند این تغییرات را ایجاد کرده و حق دسترسی به اطلاعات را برای همه فراهم کنند، که نشان‌دهنده‌ی موثر بودن ژورنالیزم لیبرال است.

۱/۴. پشتیبانی نظام سیاسی لیبرال دموکراسی از ژورنالیزم لیبرال

پس از شکل‌گیری نظام سیاسی جدید مبتنی بر ارزش‌های لیبرال دموکراسی، ژورنالیزم لیبرال وارد افغانستان شد و فعالیت خود را آغاز کرد. این نوع ژورنالیزم از نظام سیاسی دموکراتیک پشتیبانی می‌کند و در کنار حکومت فعالیت می‌کند (فقیری، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال بدون پشتیبانی نظام سیاسی نمی‌تواند موفق باشد و از آن‌جا که دولت‌ها منابع اطلاعاتی را کنترل می‌کنند، فعالیت آزاد رسانه‌ها ممکن است محدود شود. رسانه‌ها اغلب اطلاعات را از غربال نهادهای حکومتی دریافت می‌کنند که منافع خود را در نظر می‌گیرند (تقوا، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال نیازمند پشتیبانی نظام سیاسی است، که اغلب برای تامین منافع قدرت‌مندان و سرمایه‌داران استفاده می‌شود. رسانه‌ها در بسیاری از موارد، ابزار دست سیاست‌گذاران و گروه‌های قومی و سیاسی بوده و در افغانستان نیز بسیاری از رسانه‌ها منافع گروهی و قومی را دنبال می‌کردند. برخی مدیران رسانه‌ها فاقد سواد کافی و تنها به اهداف اقتصادی توجه داشتند، که این موضوع باعث کوتاهی آن‌ها از رسالت اجتماعی‌شان می‌شد.

۱/۵. فروپاشی نظام سیاسی و ناپایداری ژورنالیزم لیبرال

هر نظام سیاسی دارای ایدئولوژی خاص خود است و عبور از آن برای حکومت‌ها خط قرمز محسوب می‌شود. جنگ‌ها و ناامنی‌های امروز اغلب بر سر تصاحب ایدئولوژی‌ها و تزریق ارزش‌های خود به دیگر جوامع است. با فروپاشی یک

نظام سیاسی، ارزش‌ها و مولفه‌های آن از بین می‌رود و بازگرداندن آن دشوار می‌شود. سقوط نظام‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی مردم داشته و ممکن است جامعه را به سمت خشونت‌ها سوق دهد.

در جوامع توسعه‌یافته، با تغییر حکومت‌ها، ساختار و قواعد حاکمیت تغییر نمی‌کند و رسانه‌ها هم‌چنان قدرت خود را حفظ می‌کنند، اما در جوامع شکننده، با تحولات سیاسی، نظام‌ها ممکن است دچار فروپاشی شوند و ارزش‌های شهروندان تغییر کند. استحکام نظام‌های سیاسی و حفظ ارزش‌های شهروندان از اهداف مهم حکومت‌ها به شمار می‌رود. بنابراین، شکلی وجود ندارد که فروپاشی نظام سیاسی که پشتیبان ژورنالیزم لیبرال است، سبب ناپایداری ژورنالیزم لیبرال خواهد شد (عاقلی، ۱۴۰۱). عدم ثبات و پشتیبانی مردم از حکومت‌ها در افغانستان باعث می‌شود که اگر تغییرات نظام‌ها به‌طور مسالمت‌آمیز از طریق انتخابات صورت نگیرد، اغلب با فروپاشی همراه می‌شود. در افغانستان، قوانین حکومت‌ها با تغییر نظام‌ها لغو می‌شود. سقوط نظام جمهوری سبب تحول در نوع حکومت‌داری و ملغا شدن بسیاری از قوانین گذشته شد؛ زیرا حکومت جدید بر اساس دین اسلام شکل گرفت. به همین دلیل، سقوط نظام‌های سیاسی پشتیبان ژورنالیزم لیبرال نیز این نوع ژورنالیزم را در معرض نابودی قرار می‌دهد.

۱/۶. فرصت‌های ژورنالیزم لیبرال در کشور

نخستین فرصت مهم برای کارکرد ژورنالیزم لیبرال در افغانستان وجود نسل جدید با دانش کافی در حوزه رسانه است. در طول تاریخ افغانستان، هیچ زمانی نسل با سواد به اندازه‌ی امروز وجود نداشته است. طی بیست سال گذشته، افراد متخصص در حوزه‌ی رسانه به جامعه معرفی شده‌اند که این امر باعث افزایش علاقه‌ی مردم به رسانه‌های تصویری و شنیداری شده است (عاقلی، ۱۴۰۱). طی دو دهه‌ی پسین، مردم افغانستان به اهمیت رسانه‌های آزاد پی برده‌اند و اکنون به این واقعیت رسیده‌اند که بدون رسانه‌های آزاد، کشور به سمت پیشرفت نمی‌رود. نخبگان کشور نیز متوجه شده‌اند که در نبود رسانه‌های آزاد، کشور در انزوا خواهد ماند. هم‌چنین، تعدد گروه‌های هویتی مانند قوم، مذهب و زبان، فرصت‌های مناسب برای ژورنالیزم لیبرال ایجاد کرده است. پذیرش فرهنگ‌های گوناگون و ترویج کثرت‌گرایی توسط این نوع ژورنالیزم می‌تواند باعث افزایش علاقه‌ی مردم به رسانه‌ها شود. سرکوب اقلیت‌ها در گذشته سبب ناامیدی آن‌ها شده، اما اکنون ژورنالیزم لیبرال فرصتی برای تقویت صدای این گروه‌ها فراهم می‌کند. افزون بر این، رشد حضور زنان در جامعه و فعالیت‌های جامعه‌ی مدنی و نهادهای سیاسی - اجتماعی می‌تواند به ثبات و توسعه‌ی کشور کمک کند و ژورنالیزم لیبرال را در افغانستان به یک عامل مهم و تاثیرگذار تبدیل کند.

۱/۷. چالش‌های موجود در برابر ژورنالیزم لیبرال

یکی از چالش‌های بزرگ در کشور، نبود یک نظام سیاسی تعریف شده است که ارزش‌های لیبرالی را به معنای واقعی بپذیرد. حکومت بیست سال گذشته، نمونه‌ای از این مسئله بود. در این حکومت، قوانین بر رسانه‌ها وضع می‌شد و خود حکومت نیز ضمانت اجرایی آن‌ها را بر عهده می‌گرفت. این موضوع می‌تواند استقلال و آزادی رسانه‌ها را با مشکلات جدی مواجه کند (تقوا، ۱۴۰۱). وضع محدودیت‌ها در برابر رسانه‌ها، شفافیت آن‌ها را از بین می‌برد. افزون بر این، شکایات مکرر نشان می‌دهد که قوانین رسانه‌ها توسط خود حکومت وضع و نقض می‌شود. قانون رسانه‌ها برای سال‌ها در اختیار نهادهای حکومتی بود که مانع بزرگ برای آزادی فعالیت رسانه‌ها بود. هم‌چنین، اطلاع‌رسانی که وظیفه‌ی حکومت به رسانه‌ها است، طی بیست سال گذشته در کشور به‌طور جدی نادیده گرفته شده و از آرایه‌ی اطلاعات به رسانه‌ها خودداری شده است. این موضوع چالش بزرگ برای گسترش ژورنالیزم لیبرال به شمار می‌رود.

یکی از چالش‌های مهم دیگر این است که ذهنیت مردم در سطح کشور برای پذیرش این نوع ژورنالیزم آماده نیست. ارزش‌های لیبرالی در کشور به‌طور دقیق و صحیح شناخته نشده است. مردم هنوز به فرهنگ‌های سنتی خود ارزش می‌دهند و تحت هیچ شرایطی از این فرهنگ‌ها فاصله نخواهند گرفت. جامعه‌ی ما هنوز از نبود یک ارزش ملی واضح و تعریف شده رنج می‌برد (حیدری، ۱۴۰۱). این موضوع باعث می‌شود که ارزش‌های جوامع دیگر بدون درک و شناخت

صحیح رد شوند. اگر ارزش‌های ملی ما تعریف شود، رسانه‌های آزاد می‌توانند فعالیت کنند. نبود تعریف روشن از ارزش‌های اصیل و بومی باعث سردرگمی می‌شود و این یکی از چالش‌های بزرگ برای فعالیت ژورنالیزم لیبرال است. ژورنالیزم لیبرال از گذشته تا کنون با فراز و نشیب‌های زیاد همراه بوده است. تاکید بر آزادی فردی در جامعه، یکی از اصول مهم آن است، که موجب نقد و واکنش‌های مختلف از سوی موافقان و مخالفان شده است. در سده‌ی ۲۱، ارزش‌های لیبرال دموکراسی به یک گفتمان جهانی تبدیل شده است. در برخی کشورها، ژورنالیزم لیبرال توانسته کارآمدی خود را نشان دهد، اما در جوامع توسعه‌نیافته، تجربه‌ی ناکام آن چالش‌هایی را به وجود آورده است.

در دنیای امروز، رسانه‌های آزاد برای افزایش رضایت شهروندان از نظام ضروری‌اند. افغانستان نیز برای بهره‌برداری از این رسانه‌ها در روند صلح و ثبات نیازمند آن است، اما ژورنالیزم لیبرال در افغانستان با چالش‌های زیاد روبه‌رو است و نمی‌تواند در این کشور کارآمد باشد. این نوع ژورنالیزم برای جوامع غربی طراحی شده و در افغانستان که مردم هنوز به ارزش‌های سنتی خود پایبند هستند، مشکلات ایجاد می‌کند. ناکامی نظام‌های سیاسی لیبرالی در افغانستان نشان‌دهنده‌ی ناکامی ژورنالیزم لیبرال است، چرا که ارزش‌های لیبرالی هنوز برای بسیاری از مردم این کشور ناشناخته‌اند.

۲. بررسی ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان

ژورنالیزم رهایی‌بخش که در دهه‌ی ۱۳۴۹ در افریقای جنوبی شکل گرفت، برای مبارزه با تبعیض و توانمندسازی مردم طراحی شد. این رویکرد ترکیبی از اصول مشارکتی و توسعه است و در تقویت آگاهی انتقادی و تفکر مستقل نقش دارد. افغانستان که سال‌ها تحت وابستگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی رنج می‌برد، با پذیرش ارزش‌های لیبرالی، نه تنها مشکلاتش حل نشد، بلکه بحران‌ها شدت یافت. در دو دهه‌ی اخیر، با محدودیت‌های حاکم، ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان شکل نگرفت، اما این رویکرد می‌تواند راه‌حلی برای مشکلات کشور باشد.

۲/۱. نقاط قوت ژورنالیزم رهایی‌بخش

ژورنالیزم رهایی‌بخش برخلاف ژورنالیزم لیبرال، خود را از وابستگی‌ها دور می‌داند و به تقویت دید انتقادی واقعی در میان مردم می‌پردازد. این رویکرد به دنبال شناخت حقیقت است و از سلطه‌ی نیروهای خارجی یا داخلی اجتناب می‌کند. هدف آن، نقد جهان سرمایه‌داری و بررسی عمیق مسایل اجتماعی است.

• افزایش تفکر انتقادی

شکی وجود ندارد که افزایش تفکر انتقادی نسبت به هر پدیده نزد افراد جامعه می‌تواند سبب تغییر و تحول مثبت در سطح کشور شود. بنابراین، یکی از کارهای مهم ژورنالیزم رهایی‌بخش، افزایش تفکر انتقادی شهروندان است (عاقلی، ۱۳۹۹: ۱۲۰). ژورنالیزم رهایی‌بخش با تقویت تفکر نقادانه، مردم را به نظارت بر عملکرد حکومت و مبارزه با فساد و بی‌عدالتی تشویق می‌کند. این رویکرد باعث افزایش مسوولیت‌پذیری در حکومت و بهبود وضعیت جامعه می‌شود. در جوامع سنتی مانند افغانستان، ژورنالیزم رهایی‌بخش می‌تواند تغییرات مثبت ایجاد کرده و به تحقق عدالت اجتماعی و توسعه کمک کند.

• ترغیب مردم به سهم‌گیری در سیاست

ژورنالیزم رهایی‌بخش فرهنگ سیاسی مشارکتی را در جامعه تقویت می‌کند و مردم را مسوولیت‌پذیر و فعال می‌سازد. در این نوع ژورنالیزم، شهروندان به نظارت بر اعمال حکومت پرداخته و در ایجاد نظم و ثبات مشارکت می‌کنند. آن‌ها علاقه‌مند به بحث و گفت‌وگو در مورد مسایل سیاسی کشور هستند و به این مشارکت افتخار می‌کنند (فرجاد، ۱۳۹۹: ۸۷). ژورنالیزم رهایی‌بخش با تشویق شهروندان به مشارکت سیاسی و افزایش اعتماد به نظام سیاسی، به کاهش خشونت و حل مسالمت‌آمیز مشکلات کمک می‌کند. در جوامع سنتی مانند افغانستان، این نوع ژورنالیزم اعتماد سیاسی را تقویت کرده و مردم را قادر می‌سازد تا حکومت را نظارت کنند و در برابر حکومت‌های استبدادی موثر است.

• نگاه ژرف به پدیده‌ها

ژورنالیزم رهایی‌بخش به واقعیت‌های جامعه نگاه عمیق‌تر دارد و بر خلاف نوسازی، از پایین به بالا عمل می‌کند. این رویکرد به شدت مخالف سانسور است و اطلاعات را بر اساس واقعیت‌های عینی جامعه، منتشر می‌کند. این نوع ژورنالیزم، پدیده‌های سطحی جامعه را به چالش کشیده و به‌طور جدی و عمیق موضوعات را بررسی می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۱). وجود یک جریان نقادانه در افغانستان ضروری است تا واقعیت‌ها به درستی بیان شوند. ژورنالیزم لیبرال در دو دهه‌ی گذشته، اطلاعات سطحی ارایه کرده است، در حالی که ژورنالیزم رهایی‌بخش قادر است ساختارهای مانع را نادیده بگیرد و واقعیت‌های عینی را بازتاب دهد. این امر باعث افزایش آگاهی و آرایه‌ی واقعیت‌ها در جامعه می‌شود و نیز نتایج مثبت برای همه شهروندان به همراه دارد.

۲/۲. نقاط ضعف ژورنالیزم رهایی‌بخش

ژورنالیزم رهایی‌بخش به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی و تغییر اجتماعی عمل می‌کند، اما در بسیاری از موارد برای ادامه‌ی فعالیت‌های خود به منابع مالی و سیاسی نیاز دارد. هم‌چنین، در جوامع تحت فشار، بدون حمایت نهادهای قدرت، این نوع ژورنالیزم قادر به ایجاد تأثیرات پایدار در جامعه نخواهد بود.

• نبود ادبیات و دانش بومی

یکی از نقدهای وارد بر ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان این است که در جوامع سنتی و توسعه‌نیافته، هنوز هیچ دانش و ادبیات بومی پیرامون این نوع ژورنالیزم تولید نشده است. جامعه‌ی علمی کشور نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای این ژورنالیزم باشد و هیچ طرح یا راهبرد برای فعالیت رسانه‌ها در چارچوب گفتمان رهایی‌بخش وجود ندارد. عدم تولید دانش بومی و تیوری‌های علمی به عنوان یک مانع بزرگ برای نهادینه‌سازی ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان مطرح است (تقوا، ۱۴۰۱). جامعه‌ی افغانستان به دلیل کمبود ادبیات بومی و وابستگی به ترجمه‌ها، هنوز قادر به نهادینه‌سازی ژورنالیزم رهایی‌بخش نیست. هم‌چنین، جامعه‌ی سنتی افغانستان، باعث چالش‌های جدی برای پذیرش این نوع ژورنالیزم شده است.

• عدم تعریف منافع و ارزش‌های ملی

موانع دیگری نیز وجود دارد که به عنوان یک چالش فرا راه به‌کارگیری ژورنالیزم رهایی‌بخش گفته می‌شود. در کشور ما تا هنوز منافع ملی، ارزش‌های ملی و نیازهای ملی تعریف و مشخص نشده است. عدم تعریف واضح و روشن از منافع ملی کشور در واقع استفاده و عملی شدن هر مسئله‌ی را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد (کبیری، ۱۳۹۷: ۱۵۸). در جامعه‌ی افغانستان که متشکل از هویت‌ها و اقوام مختلف است، ژورنالیزم رهایی‌بخش ممکن است با چالش‌های جدی مواجه شود. اگر منافع تمامی اقوام و هویت‌ها در چارچوب منافع ملی تعریف نشود، موفقیت این نوع ژورنالیزم در کشور دشوار خواهد بود. در دو دهه‌ی اخیر، رسانه‌ها در افغانستان عمدتاً به نفع یک هویت خاص فعالیت کرده‌اند، که این موضوع مانع توسعه‌ی موثر و جامع رسانه‌ها در کشور شده است.

در افغانستان، رسانه‌ها بیش‌تر منافع اقوام و گروه‌های خاص را نمایندگی می‌کنند، به‌طور نمونه، تلویزیون آئینه که اوزبیک‌تبارها و حزب جنبش اسلامی را حمایت می‌کند و تلویزیون نور که به حزب جمعیت و افراد وابسته به استاد برهان الدین ربانی می‌پردازد. این وضعیت منجر به تقسیم جامعه و عدم گسترش رسانه‌های ملی می‌شود. تا زمانی که منافع ملی به‌طور واضح تعریف نشود، ژورنالیزم رهایی‌بخش با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد بود.

• نبود پشتوانه‌ی اقتصادی

برای شکل‌گیری و فعالیت ژورنالیزم رهایی‌بخش در کشورهایی با وضعیت اقتصادی ضعیف، وجود یک پشتوانه‌ی مالی قوی ضروری است. بدون حمایت مالی و سرمایه‌گذاری، این نوع رسانه‌ها نمی‌توانند به‌طور موثر فعالیت کنند. رسانه‌های رهایی‌بخش مانند رسانه‌های دیگر به سرمایه نیاز دارند تا بتوانند به‌طور مداوم فعالیت کنند. در کشورهای فقیر که وابسته به کمک‌های اقتصادی هستند، ایجاد و گسترش رسانه‌های رهایی‌بخش بدون پشتوانه‌ی مالی ممکن نخواهد بود.

افغانستان به دلیل وابستگی شدید به کمک‌های اقتصادی کشورهای دیگر، نمی‌تواند رسانه‌های رهایی‌بخش را به‌طور موثر شکل دهد. فقر گسترده و روزافزون نیز از چالش‌های عمده‌ای است که پیش روی ژورنالیزم رهایی‌بخش در این کشور قرار دارد. مردم افغانستان هم‌چنان یکی از بالاترین نرخ‌های فقر را در سطح جهان تجربه می‌کنند (حمیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۲ - ۱۲۳). افغانستان که به کمک‌های جهانی وابسته است، نمی‌تواند سرمایه‌گذاری زیاد در رسانه‌ها انجام دهد. کشورهای کمک‌کننده از طرح‌های رسانه‌های رهایی‌بخش حمایت نخواهند کرد؛ زیرا در صورت تضاد منافع، کمک‌های اقتصادی خود را قطع خواهند کرد. این وضعیت باعث افزایش فقر و مرگ و میر در کشور شده و نبود پشتیبانی مالی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان است.

۲/۳. کارآمدی ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان

کارآمدی و موثریت هر پدیده‌ای بستگی به شرایط و محیط خاص خود دارد. برای مثال، یک نظام سیاسی که در جوامع غربی مانند آمریکا کارآمد است، ممکن است در کشورهایی مانند عراق، مشکلات و بحران‌های بیش‌تر ایجاد کند. بنابراین، شرایط جامعه برای پذیرش هر پدیده‌ای بسیار مهم است. افغانستان هنوز تجربه‌ی ژورنالیزم رهایی‌بخش را نداشته است، ولی در صورت استفاده از آن، می‌تواند از کارآمدی خوبی برخوردار شود. در کشور ما رسانه‌های بومی که به ارزش‌های بومی پرداخته باشند، وجود ندارند و رسانه‌های بومی تنها به شبکه‌های غیررسمی یا فعالیت‌های افراد در شبکه‌های اجتماعی محدود شده‌اند.

اگر رسانه‌های رهایی‌بخش در افغانستان شکل بگیرند، می‌توانند کارآمدی بیش‌تر داشته باشند. این رسانه‌ها می‌توانند در تولید برنامه‌های مفید و آموزشی در زمینه‌های مختلف رشد قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. در جامعه‌ای مانند افغانستان که نیاز شدید به توسعه در بخش‌های آموزشی و بهداشت دارد، رسانه‌های رهایی‌بخش می‌توانند این مسایل را در اولویت قرار دهند و برنامه‌های آموزشی را در رسانه‌ها پخش کنند. این رسانه‌ها هم‌چنین می‌توانند شناخت متقابل دولت و ملت را افزایش دهند و آگاهی اجتماعی و سیاسی شهروندان را به میزان قابل توجه بالا ببرند (مصباح، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۹). ژورنالیزم رهایی‌بخش بر عدالت و برابری میان شهروندان تمرکز دارد، که افغانستان به شدت به این اصول نیاز دارد. با شکل‌گیری این نوع ژورنالیزم، مشکلات فرهنگی و سلطه‌ی خارجی در کشور کاهش خواهد یافت. هم‌چنین، ژورنالیزم رهایی‌بخش می‌تواند وحدت ملی را تقویت کند و مردم را به جای افتخار به ارزش‌های قومی و زبانی، به یک ارزش ملی واحد متصل کند. این رویکرد در جامعه‌ی افغانستان می‌تواند کارآمد و موثرتر باشد.

۲/۴. فرصت‌های موجود برای شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش

طی دو دهه‌ی اخیر، افزایش تعداد افراد متخصص و با تعهد در افغانستان، به‌ویژه در بخش رسانه‌ها، یک فرصت خوب به شمار می‌رود. این افراد با آموزش‌های عصری که در داخل و خارج کشور کسب کرده‌اند، به سرمایه‌های معنوی کشور تبدیل شده‌اند. هم‌چنین، افزایش پوهنتون‌ها و نهادهای خصوصی تحقیقی نیز به عنوان یک فرصت دیگر در کشور مطرح است. با تولید ادبیات بومی توسط متخصصان، بحران‌های موجود در کشور می‌تواند به راحتی کنترل شود. پوهنتون‌ها و نهادهای تحقیقی نیز می‌توانند در این فرایند نقش مهم ایفا کنند (عاقلی، ۱۳۹۹: ۱۲۰). در واقع دو دهه‌ی پسین در افغانستان، شاهد پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه‌ی جوانان تحصیل‌کرده و افزایش تعداد پوهنتون‌ها و نهادهای خصوصی تحقیقی بوده‌ایم. این نیروهای جوان که آموزش‌های حرفه‌ای رسانه‌ای را در داخل و خارج از کشور فرا گرفته‌اند، زمینه‌ی مناسبی را برای شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش در کشور فراهم کرده‌اند. این افراد می‌توانند با برنامه‌ریزی علمی و دقیق، بحران‌های موجود را مدیریت کرده و به این نوع رسانه در افغانستان شکل دهند.

افزون بر این، دولت باید در این زمینه همکاری کند؛ زیرا بدون پشتیبانی دولت، اجرای چنین برنامه‌هایی امکان‌پذیر نیست. در صورت عدم همکاری دولت، این فرصت‌ها از بین خواهند رفت، چرا که ایستادن در مقابل جریان‌های مسلط در جامعه‌ی افغانستان ممکن است به بهای جان انسان‌ها تمام شود. رسانه‌های آزاد در افغانستان تجربه‌ی اندکی دارند و با وجود تغییرات مثبت در ذهنیت مردم، هنوز چالش‌های زیاد بر سر راه وجود دارد.

هم‌چنین، علاقه‌مندی شهروندان افغانستان به رسانه‌ها در دو دهه‌ی اخیر افزایش یافته است، به‌طوری‌که مردم حتی در دورترین نقاط کشور نیز رسانه‌ها را دنبال می‌کنند. این علاقه می‌تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای رسانه‌های آزاد را تقویت کند، اما با تمام این فرصت‌ها، مشکلات فرهنگی و اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و شکاف‌های اجتماعی هم‌چنان از موانع مهم در شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان به شمار می‌روند. جامعه‌ی افغانستان هنوز به پختگی سیاسی و اجتماعی لازم برای پیاده‌سازی چنین رویکردهایی نرسیده است.

۲/۵. نوعیت نظام سیاسی برای پشتیبانی ژورنالیزم رهایی‌بخش

بدون شک، انتخاب دقیق نظام سیاسی در موثر بودن و کارآمدی ژورنالیزم رهایی‌بخش نقش بسیار مهم دارد. این‌که کدام نوع نظام سیاسی با چه خصوصیات می‌تواند از ژورنالیزم رهایی‌بخش حمایت و پشتیبانی کند، در نظریات مختلف از سوی نویسندگان و محققان مطرح شده است. با این حال، اکثریت آن‌ها بر این نکته توافق دارند که نظام سیاسی دموکراتیک بهترین گزینه برای حمایت از ژورنالیزم رهایی‌بخش است (ابراهیمی، ۱۴۰۱). نظام سیاسی دموکراتیک می‌تواند با تأکید بر قانون و عدالت، از ژورنالیزم رهایی‌بخش حمایت کند. این نوع نظام با تعیین حدود و صلاحیت‌های خود، تمامی جوانب دیگر را در نظر می‌گیرد و از نهادهایی که برای برقراری نظم در جامعه فعالیت می‌کنند، پشتیبانی می‌کند. رهایی‌بخش به هیچ‌وجه سلطه را نمی‌پذیرد، اما نظام دموکراتیک مبتنی بر ارزش‌های بومی می‌تواند در تقویت موثریت و کارآمدی ژورنالیزم رهایی‌بخش در جامعه نقش موثر داشته باشد.

ژورنالیزم رهایی‌بخش بر عدم سلطه از سوی هیچ طرفی تأکید دارد و در برخی موارد ممکن است با نظام‌های سیاسی مخالف باشد. این نوع ژورنالیزم با نگاه انتقادی به کارکردهای حکومت، آزادی و استقلال خود را می‌طلبد. در جوامع با نظام‌های استبدادی و قبیله‌ای، شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش دشوار و گاهی ناممکن است، زیرا نقد حکومت می‌تواند منجر به سرکوب آن شود. بنابراین، نظام‌های سیاسی که بر آزادی و برابری تأکید دارند، می‌توانند حامی خوب برای رهایی‌بخش باشند.

برخی طرفداران ژورنالیزم رهایی‌بخش معتقدند که نظام‌های سیاسی اقتدارگرا با داشتن استراتژی و دیپلماسی رسانه‌ای می‌توانند حامی خوب برای رهایی‌بخش باشند. این گروه به تجربیات کشورهای موفق در استفاده از ژورنالیزم رهایی‌بخش اشاره می‌کنند و باور دارند که با تولید ادبیات بومی و حضور افراد متخصص، این نوع ژورنالیزم می‌تواند در کشور شکل گیرد. اگرچه در ابتدا پشتوانه‌ی بیرونی وجود ندارد، اما پس از شکل‌گیری نظام سیاسی دموکراتیک، حمایت‌های داخلی و بین‌المللی از آن صورت خواهد گرفت.

۲/۶. فروپاشی نظام سیاسی و ناپایداری ژورنالیزم رهایی‌بخش

فروپاشی نظام‌های سیاسی تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه دارد و در کشورهای با نظام‌های سیاسی شکننده، شهروندان با بی‌اعتمادی سیاسی و افزایش ناهنجاری‌ها روبه‌رو می‌شوند. در کشورهای توسعه‌نیافته که در بحران‌ها گرفتار اند، نظام‌های سیاسی همیشه در معرض فروپاشی هستند. این فروپاشی موجب بی‌ثباتی ساختارهای حکومتی و مشکلات اجتماعی می‌شود و ژورنالیزم رهایی‌بخش نیز در چنین شرایطی دوام نخواهد آورد و به ناپایداری خواهد انجامید (فقیری، ۱۴۰۱). ژورنالیزم رهایی‌بخش در جوامعی که عدالت‌محوری وجود نداشته باشد، امکان شکل‌گیری آن بعید است. حکومت‌های استبدادی و لیبرال دموکراسی با مولفه‌های اصلی رهایی‌بخش در تضاد هستند و نمی‌توانند از آن حمایت کنند. حکومت‌های لیبرالی بیش‌تر در خدمت افراد سرمایه‌دار هستند و به عدالت اجتماعی توجه ندارند. در نتیجه، با فروپاشی

نظام سیاسی پشتیبان ژورنالیزم رهایی‌بخش، این نوع رسانه‌ها نمی‌توانند ادامه‌ی فعالیت دهند؛ زیرا نظام‌های دیگر ممکن است با اصول رهایی‌بخش هم‌خوانی نداشته باشند و حتی در مخالفت با آن قرار گیرند.

۲/۷. چالش‌ها فرا راه ژورنالیزم رهایی‌بخش

مهم‌ترین چالش پیش روی ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان، وجود دولت‌های وابسته و استبدادی است که مانع رشد آزادی و برابری هستند. حکومت‌های استبدادی، مخالف هرگونه نقد هستند و این مسئله، شکل‌گیری تفکر انتقادی و جریان‌های آزادی‌خواه را دشوار می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی و فروپاشی نظام‌های سیاسی در افغانستان نیز از دیگر چالش‌ها است که مانع از اجرای طرح‌های توسعه‌ای و برنامه‌های بلندمدت می‌شود. افغانستان هنوز به سطح استحکام سیاسی لازم نرسیده است تا بتواند طرح‌های بزرگ رفاهی را پیاده‌سازی کند. تا زمانی که نظام سیاسی با ثبات توأم با مشروعیت داخلی و بین‌المللی در افغانستان شکل نگیرد، فعالیت‌های رهایی‌بخش در کشور بعید به نظر می‌رسد.

افغانستان طی دو سده‌ی اخیر، تحت امپریالیسم فرهنگی قرار داشته و کشورهای قدرت‌مند جهان هیچ‌گاه اجازه‌ی شکل‌گیری دولت‌های دموکراتیک مبتنی بر آرای مردم را نداده‌اند. تجربه‌ی دو دهه‌ی پسین نشان می‌دهد که حتی در سه دور انتخابات ریاست‌جمهوری، با وجود پیروزی آقای عبدالله، به دلیل عدم حمایت ابر قدرت‌ها، نتوانسته به ریاست جمهوری برسد. کشورهای بزرگ مخالف استقلال مردم افغانستان هستند و نمی‌خواهند سلطه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود را از دست دهند. به همین دلیل، از افراد مورد نظر خود مانند کرزی و غنی حمایت کردند (جانسون، ۱۳۹۷: ۲۷ - ۳۰).

با توجه به سلطه‌ی فرهنگی کشورهای غربی، امکان شکل‌گیری ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان با چالش‌های بزرگی مواجه است. این نوع ژورنالیزم یکی از موثرترین رویکردهای جهانی است که در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی نقش مهم ایفا می‌کند و بر عدالت اجتماعی، رفاه جامعه و آگاهی‌بخشی تأکید دارد. در افغانستان، با تاریخ پنج‌هزار ساله، ژورنالیزم تنها به صورت سطحی تجربه شده و جامعه بیش‌تر ژورنالیزم لیبرال را تجربه کرده که با شکست مواجه شده است. در نتیجه، ژورنالیزم رهایی‌بخش می‌تواند جایگزین مناسب برای ژورنالیزم لیبرال باشد و با تقویت آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، بحران‌ها و مشکلات موجود در رسانه‌ها را کاهش دهد. این ژورنالیزم می‌تواند در راستای ایجاد عدالت اجتماعی و برابری، نقش اساسی در توسعه‌ی جامعه‌ی افغانستان ایفا کند و نگاه انتقادی شهروندان را بهبود بخشد.

۳. مقایسه‌ی ژورنالیزم لیبرال با ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان

در جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، هر پدیده و ویژگی‌ها و تفاوت‌های خاص خود را دارد که شناخت آن‌ها را ساده‌تر می‌سازد. با این حال، برخی پدیده‌ها ممکن است شباهت‌هایی نیز داشته باشند که درک آن‌ها را پیچیده می‌کند. در افغانستان، کشوری که با جنگ، ناامنی و فقر دست و پنجه نرم می‌کند، تحمیل ارزش‌های لیبرال دموکراسی باعث تشدید بحران‌ها شده است. مشکلات ناشی از وابستگی به قدرت‌های بزرگ جهانی و عدم تولید و ادبیات بومی برای حل مسایل سیاسی و اقتصادی از دلایل عدم توسعه‌ی افغانستان است. در این راستا، تحقیق حاضر بر تفاوت‌ها و شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش متمرکز است تا گزینه‌ای مناسب برای شرایط افغانستان شناسایی شود. این تحقیق با نگاهی بی‌طرفانه به ارزیابی این دو نوع ژورنالیزم پرداخته و به بررسی کارآمدی و تاثیرات آن‌ها بر جامعه افغانستان می‌پردازد.

۳/۱. شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش در افغانستان

با وجود تفاوت‌های اساسی، ژورنالیزم لیبرال و ژورنالیزم رهایی‌بخش در برخی جنبه‌ها شباهت‌هایی دارند که قابل بررسی است. این دو رویکرد، هرچند از مکاتب فکری متفاوت سرچشمه گرفته‌اند، اما در برخی اصول مشترک مانند اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و نقش رسانه در جامعه اشتراک دارند. این شباهت‌ها می‌توانند برای تحلیل و درک بهتر هردو جریان مورد توجه قرار گیرند.

• آزادی‌نگری

یکی از اساسی‌ترین شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و ژورنالیزم رهایی‌بخش در معنای لغوی و ماهیت آن‌ها نهفته است. هر دو رویکرد بر آزادی‌خواهی تأکید دارند؛ لیبرالیسم به معنای آزادی‌خواهی تعریف می‌شود و رهایی نیز به معنای آزادسازی و نبود موانع تلقی می‌گردد. به گفته‌ی هابز، آزادی در حقیقت نبود هرگونه مانع است، که این تعریف در هر دو جریان ژورنالیزم نیز نمود دارد (موریس، ۱۳۷۹: ۱۴). برخی دانش‌مندان، تعاریف مختلف از رهایی ارایه کرده‌اند. جان استوارت میل معتقد است که آزادی زمانی محقق می‌شود که فرد از هر قید و بندی رها شده و بتواند مطابق میل و تشخیص خود فکر کرده، عمل نماید و فرصت شکوفایی داشته باشد (میل، ۱۳۶۳: ۷۸). هردو رویکرد ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش بر آزادی‌خواهی و رهایی انسان از سلطه تأکید دارند. نظریه‌پردازان این دو جریان، بر آزادی فردی و برابری تأکید کرده و خواهان جامعه‌ای آزاد و عادلانه هستند. در افغانستان، پیاده‌سازی مدل‌های آزادی‌خواهی متناسب با شرایط خاص کشور، برای رهایی از سلطه‌ی امپریالیسم و دستیابی به توسعه ضروری است.

• افزایش سطح آگاهی مردم در جامعه

هردو رویکرد، ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش بر اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی شهروندان تأکید دارند. رسانه‌ها، صرف‌نظر از رویکردشان، وظیفه‌ی جمع‌آوری و انتشار اطلاعات را بر عهده دارند. در جوامع توسعه‌نیافته‌ای مانند افغانستان، که مردم از رویدادهای داخلی و جهانی آگاهی کافی ندارند، رسانه‌ها نقش کلیدی در افزایش سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند. ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش می‌توانند به رشد فرهنگ سیاسی کمک کرده و با تأمین اطلاعات، مسیر رفاه و توسعه را هم‌وار سازند.

• رشد رسانه‌ها و نهادهای خصوصی

یکی دیگر از شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش، تأکید بر رشد و گسترش نهادهای رسانه‌ای خصوصی است. هردو رویکرد از ایجاد و توسعه‌ی رسانه‌های مستقل حمایت کرده و نقش آن‌ها را در حل بحران‌های اجتماعی و پیشرفت جامعه، حیاتی می‌دانند. رسانه‌های خصوصی می‌توانند با بازتاب واقعیت‌ها و آگاهی‌بخشی، در مسیر رشد و توسعه‌ی جوامع موثر باشند (مصباح، ۱۳۹۸: ۱۰۵). ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش هردو بر اهمیت رشد رسانه‌های خصوصی تأکید دارند که به رفع مشکلات شهروندان و مطالبه‌ی حقوق آن‌ها از نهادهای حکومتی می‌پردازند. در دو دهه‌ی پسین، رسانه‌های خصوصی نقش مهم در آگاهی‌بخشی و حل مشکلات مردم ایفا کرده‌اند. این دو جریان ژورنالیستی، رقابت میان رسانه‌های خصوصی و دولتی را عاملی برای تقویت فضای رسانه‌ای و توسعه‌ی جامعه می‌دانند. افغانستان نیز برای رشد و پیشرفت به چنین رقابتی نیاز دارد تا رسانه‌ها رسالت اجتماعی خود را بهتر انجام دهند.

• خواست‌های شهروندان از دولت

ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش هر دو نقش مهم در مطالبه‌گری از دولت دارند. این رسانه‌ها با کاهش قدرت دولت، وظیفه‌ی اطلاع‌رسانی و انتقال خواسته‌های شهروندان به مسوولان را بر عهده دارند. آن‌ها با نقد و پرسش‌گری، حکومت را وادار به پاسخ‌گویی و ارائه‌ی خدمات بهتر می‌کنند. رسانه‌ها با بازتاب مشکلات مردم، دولت را تحت فشار قرار داده و در راستای حل چالش‌های جامعه، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. در کشورهای مانند افغانستان، نهادهای دولتی و رهبران سیاسی اغلب به وعده‌های خود عمل نمی‌کردند. در این شرایط، رسانه‌ها با نقد و بررسی عمل‌کرد دولت، رهبران را وادار به پاسخ‌گویی و تحقق وعده‌ها می‌کنند. ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش هر دو در مطالبه‌گری از دولت و پی‌گیری خواسته‌های شهروندان نقش کلیدی دارند که این از شباهت‌های مهم آن‌ها محسوب می‌شود.

۳/۲. تفاوت‌های ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش در افغانستان

با وجود شباهت‌های ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش، تفاوت‌های چشم‌گیر میان آن‌ها وجود دارد که این دو رویکرد را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد. بررسی این تفاوت‌ها به شناسایی نقاط ضعف و میزان کارآمدی هر کدام کمک می‌کند. مقایسه‌ی این دو ژورنالیزم می‌تواند نشان دهد کدام یک برای جامعه‌ی افغانستان مفیدتر است و به عنوان گزینه‌ی پیشنهادی ارائه شود.

• تفاوت در سطحی‌نگری و ژرف‌نگری

تفاوت اصلی میان ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش در نگاه سطحی و عمیق به مسایل است. ژورنالیزم لیبرال معمولاً به مسایل از دید سطحی می‌نگرد و بیش‌تر به طبقات مرفه توجه دارد؛ در حالی‌که ژورنالیزم رهایی‌بخش با نگاهی عمیق‌تر به مشکلات جامعه، به نقد نظام‌های سرمایه‌داری و تحولات اجتماعی می‌پردازد. این رویکرد می‌تواند برای حل بحران‌های افغانستان موثر باشد.

• تفاوت در عدالت و بی‌عدالتی

یکی از تفاوت‌های مهم میان ژورنالیزم لیبرال و رهایی‌بخش، نحوه برخورد با محور عدالت و بی‌عدالتی است که در این دو رویکرد به شدت با یک‌دیگر در تناقض قرار دارند. به طور نمونه، ژورنالیزم لیبرال تمام توجه و تمرکز خود را بر یک طبقه‌ی خاص، یعنی سرمایه‌داران، متمرکز می‌کند. در واقع، لیبرالیسم با جهان سرمایه‌داری هم‌راستا است و این رویکرد بیش‌تر به نفع طبقه‌ی ثروتمند عمل می‌کند و کم‌تر به مسایل و نیازهای طبقات فقیر توجه می‌کند (حکیمی، ۱۴۰۱). ژورنالیزم لیبرال توجه خود را به سرمایه‌داران معطوف می‌کند و مشکلات فقرا را نادیده می‌گیرد، که باعث تبعیض طبقاتی و بی‌عدالتی می‌شود، اما ژورنالیزم رهایی‌بخش بر عدالت اجتماعی و برابری تأکید دارد و به رهایی افراد از سلطه می‌پردازد. این رویکرد می‌تواند به ثبات و صلح در جامعه کمک کرده و مشکلات بی‌عدالتی را در افغانستان حل کند.

• تفاوت در ارزش و فرهنگ

ژورنالیزم لیبرال مختص به ارزش‌های لیبرالی و سرمایه‌داری غربی است و نمی‌تواند به جوامع دیگر پاسخ‌گو باشد. این رویکرد با ترویج ارزش‌های غربی، فرهنگ‌ها و هنجارهای بومی دیگر جوامع را تهدید کرده و به نابودی می‌کشانند. غرب با معرفی این نوع ژورنالیزم در واقع به جهانی‌سازی ارزش‌های خود پرداخته و به فرهنگ‌های دیگر بی‌توجه است. جوامع غیرغربی که از الگوی ژورنالیزم لیبرال استفاده کرده‌اند، با بحران‌های بیش‌تر مواجه شده‌اند، که افغانستان و عراق نمونه‌های برجسته‌ای از این مشکلات هستند، اما ژورنالیزم رهایی‌بخش نه تنها این‌که سلطه‌ی فرهنگی هیچ قدرتی را نمی‌پذیرد بلکه در بومی‌سازی فرهنگی و توجه به ارزش‌های هر جامعه تأکید می‌نماید (عاقلی، ۱۴۰۱). ژورنالیزم

رهایی بخش با قابلیت تطبیق در هر جامعه، به حفظ فرهنگ‌های بومی کمک می‌کند و از سلطه‌ی فرهنگی کشورهای دیگر جلوگیری می‌کند. افغانستان می‌تواند با استفاده از این مدل، هویت فرهنگی خود را حفظ کرده و در بازسازی فرهنگی و سیاسی به توسعه‌ی پایدار برسد.

• تفاوت در گسترش فعالیت آن‌ها

تفاوت دیگر میان ژورنالیزم لیبرال و رهایی بخش در گسترش فعالیت آن‌ها است. ژورنالیزم لیبرال به‌طور خاص برای جوامع خاص طراحی شده و در برخی مناطق مانند امریکای لاتین و اروپا کارآمد بوده است، اما در دیگر نقاط جهان، به‌ویژه آسیا، تاثیر چندانی نداشته و مشکلات را بیش‌تر کرده است. در حالی که ژورنالیزم رهایی بخش قابلیت تطبیق و کارایی بیش‌تر در جوامع مختلف دارد و می‌تواند به حل مسایل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کمک کند. ژورنالیزم رهایی بخش برخلاف ژورنالیزم لیبرال، قابلیت تطبیق در تمام نقاط جهان را دارد و به فرهنگ‌های بومی احترام می‌گذارد بدون این‌که مخالف فرهنگ‌های دیگر باشد. این رویکرد به دلیل بومی بودن و عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی می‌تواند در کشورهای مختلف موثر باشد. در افغانستان، با توجه به مشکلات ناشی از ژورنالیزم لیبرال، فرصت‌های خوبی برای نهادینه کردن ارزش‌های بومی از طریق ژورنالیزم رهایی بخش فراهم شده است.

با مقایسه‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو رویکرد، مشخص می‌شود که ژورنالیزم لیبرال وابسته به نظام سیاسی خاص است و در برخی جوامع موفق نبوده است. در مقابل، ژورنالیزم رهایی بخش با تاکید بر عدالت اجتماعی، گسترش فعالیت‌ها و احترام به فرهنگ‌های بومی می‌تواند راه‌های حل موثر برای افغانستان و جوامع مشابه ارایه دهد. این تحقیق نشان داده که ژورنالیزم رهایی بخش گزینه‌ی مناسب‌تر برای حل مشکلات افغانستان است.

نتیجه‌گیری

افغانستان به عنوان کشوری با تاریخ‌چه‌ای پر از جنگ، بی‌ثباتی و سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ، هم‌واره با چالش‌های جدی در مسیر توسعه مواجه بوده است. پس از شکل‌گیری نظام سیاسی جدید، رسانه‌ها و آزادی بیان رشد چشم‌گیر داشته‌اند، اما این روند هم‌چنان با موانع بسیار روبه‌رو است. یکی از چالش‌های عمده در این مسیر، ناکارآمدی ژورنالیزم لیبرال در افغانستان بوده است. ژورنالیزم لیبرال که در جوامع توسعه‌یافته به موفقیت‌هایی دست یافته، در افغانستان نتوانسته است عمل‌کرد مطلوب داشته باشد. این رویکرد به‌ویژه به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، به جای تقویت آگاهی عمومی و سیاسی، موجب گسترش فرهنگ غربی و تحمیل ارزش‌های خارجی شده است، که خود منجر به بی‌ثباتی و بحران‌های بیش‌تر در کشور گردیده است.

در عوض، ژورنالیزم رهایی بخش به‌عنوان جایگزینی موثر برای ژورنالیزم لیبرال مطرح می‌شود. این رویکرد با تمرکز بر عدالت اجتماعی، آگاهی‌بخشی سیاسی و اجتماعی و تقویت روحیه‌ی مطالبه‌گری، می‌تواند به‌طور جدی در بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی افغانستان نقش‌آفرینی کند. ژورنالیزم رهایی بخش بر ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تاکید دارد و می‌تواند در زمینه‌سازی برای توسعه‌ی پایدار و ثبات کشور موثر باشد.

در چارچوب مدل SWOT، ژورنالیزم رهایی بخش نسبت به ژورنالیزم لیبرال نقاط قوت بیش‌تر دارد. ژورنالیزم رهایی بخش در افغانستان با تمرکز بر مسایلی نظیر عدالت و برابری، می‌تواند به حل بحران‌های اجتماعی و سیاسی کمک کند. برخلاف ژورنالیزم لیبرال که در افغانستان به دلیل تحمیل ارزش‌های غربی و نادیده گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی، نتایج منفی به همراه داشته، ژورنالیزم رهایی بخش با توجه به نیازهای خاص این جامعه، رویکردی کارآمدتر به نظر می‌رسد. به‌ویژه، این مدل با تقویت آگاهی سیاسی و اجتماعی، در راستای عدالت‌طلبی و مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی می‌تواند به روند بهبود وضعیت افغانستان کمک کند.

نتیجه‌گیری نهایی تحقیق نشان می‌دهد که ژورنالیزم رهایی‌بخش به دلیل توجه به شرایط خاص افغانستان، می‌تواند در مسیر توسعه‌ی پایدار و ثبات کشور، جایگزین مناسب‌تر نسبت به ژورنالیزم لیبرال باشد. بنابراین، استفاده از این رویکرد در رسانه‌ها و جامعه‌ی افغانستان می‌تواند به‌طور موثر بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور تاثیر بگذارد و راه‌حلی برای بحران‌های موجود فراهم کند.

منابع

الف: فارسی

۱. ابراهیمی، سیدنایل (۱۴۰۱)، کارآمدی ژورنالیزم رهایی‌بخش، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۲۳ سنبله.
۲. پاسدار، پوزان و گروسی، امیر (۱۳۹۴)، تدوین استراتژی‌های منابع انسانی با ماتریس سوات، کارگاه آموزشی مرکز اطلاعات علمی، تهران.
۳. تقوا، امرالله (۱۴۰۱)، افغانستان و ژورنالیزم رهایی‌بخش، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۱۸ سنبله.
۴. جاسون، توماس (۱۳۹۷)، افسانه‌ی دموکراسی انتخابات افغانستان، مترجم: جلیل پژواک، مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان، کابل.
۵. حکیمی، انور (۱۴۰۱)، ارزش‌های لیبرالیسم در افغانستان، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۲۴ سنبله.
۶. حمیدی، احمد نوید (۱۳۹۷)، گردش‌گری و توسعه‌ی اقتصادی افغانستان، فصل‌نامه‌ی دیپلماسی و مطالعات بین‌المللی، نشر: پوهنتون افغانستان، کابل.
۷. حیدری، ذبیح‌الله (۱۴۰۱)، رسانه‌ها و نظارت بر اعمال حکومت، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۱۸ سنبله.
۸. عاقلی، مصطفی (۱۳۹۹)، ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان، فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی پوهنتون رنا، شماره‌ی ۱۸، ۱۹، کابل، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۹. عاقلی، مصطفی (۱۴۰۱)، نقاط قوت و ضعف ژورنالیزم لیبرال، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۱۲ سنبله.
۱۰. فرجاد، سمیع (۱۳۹۹)، مولفه‌ها و فرهنگ سیاسی افغانستان، فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی خورشید، شماره‌ی اول، کابل.
۱۱. فقیری، خرم (۱۴۰۱)، فروپاشی نظام سیاسی و ناپایداری ژورنالیزم رهایی‌بخش، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۲۹ سنبله.
۱۲. گلکار، کورش (۱۳۸۵)، مناسب‌سازی تکنیک تحلیلی سوات برای کاربرد در طراحی شهری، نشر: صفه، شماره‌ی ۴۱، صص ۴۴-۶۵.
۱۳. مهکویی، حجت و دیگران (۱۳۹۸)، راهبردهای آمایش مناطق مرزی ایران با بکارگیری مدل سوات و تحلیل شبکه‌ای ANP مطالعه موردی: خراسان جنوبی، فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی جغرافیا، دور نهم، تهران، شماره‌ی ۳۵، صص ۴۹-۵۹.
۱۴. مصباح، عبدالصیر (۱۳۹۸)، مبانی، مولفه‌ها و چالش‌های استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری افغانستان، فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی رنا، شماره‌ی ۱۳، کابل.
۱۵. موریس، کرنستون (۱۳۷۹)، تحلیل نوین آزادی، مترجم: جلال‌الدین اعلم، تهران.
۱۶. میل، استوارت (۱۳۶۳)، رساله‌ی درباره‌ی آزادی، مترجم: جواد شیخ‌الاسلام، تهران.
۱۷. رحیمه (۱۴۰۱)، نقدهای بر ژورنالیزم لیبرال، گفت‌وگو با میلاد صدیقی، ۲۵ سنبله.

ب: انگلیسی

18. Alterman, Eric (2002), What Liberal Media? The Truth About Bias and the News, Volume 22, Issue 1, pp 25 – 42, <https://digitalcommons.sacredheart.edu/shureview>.
19. E Relly, Jeannine and Zanger, Margaret (2016), The enigma of news media development with multi-pronged 'capture': The Afghanistan case, pp 1-23, Available at the following link: <https://www.researchgate.net/publication>
20. Jutel, Olivier (2015), The liberal field of journalism and the political, Volume 17, Issue 8, pp 1 – 17, <https://doi.org/10.1177/1464884915599949>.
21. Macleod, Jock (2008), Between Politics and Culture: Liberal Journalism and Literary Cultural Discourse at the *Fin de Siècle*. *English Literature in Transition*, Volume 51, No 1, pp 5 – 21, [https://dx.doi.org/10.2487/elt.51.1\(2008\)0012](https://dx.doi.org/10.2487/elt.51.1(2008)0012).
22. Sohail, Sanjar (2024), Liberatory Journalism: A Tool for Creating Hope, Freedom, and Social Justice, Available at the following link: <https://8am.media/eng/liberatory-journalism>
23. Sutter, Daniel (2012), Mechanisms of Liberal Bias in the News Media versus the Academy, Volume 16, No 3, pp 399 – 415 <http://www.jstor.org/stable/24563209>